

مقایسه نظری کارایی بانکداری غیرربوی و ربوی در تجهیز و تخصیص منابع

دکتر کیومرث سهیلی*

تاریخ دریافت: ۸۷/۰۳/۰۴

تاریخ پذیرش: ۸۷/۰۵/۱۲

چکیده

حرمت بهره در اسلام از یک سو و نقش مهم آن در مباحث اقتصادی، عامل ارتباط‌دهنده بازار کالاها و خدمات، بازار پول و ترازپرداخت‌ها به یکدیگر از دیگر سو، باعث شده است که یک چالش مهم فراروی جوامع اسلامی و مسلمانان خودنمایی کند. بانکداری بدون ربا به مثابه راهکاری برای برون‌رفت از مشکل ذکرشده در بیشتر کشورهای اسلامی و حتی در بعضی از کشورهای غیراسلامی مطرح شده و در کل کشور یا در مناطق خاصی اجرا شده است. بانکداری غیرربوی به شکل موجود آن علی‌رغم مشکلات، تنگناها و کاستی‌هایی که دارد، در مقایسه با بانکداری ربوی دارای امتیازاتی است. شناسایی مزیت‌های بانکداری غیرربوی در تجهیز و تخصیص منابع و استفاده از آن‌ها به مثابه فرصت‌های بالقوه و تبیین تنگنای فراروی بانکداری غیرربوی با هدف ارائه راهکارهایی مناسب برای رفع آن‌ها از اهمیت خاصی برخوردار است که در این نوشتار بدان توجه می‌شود. تبیین شیوه‌های تجهیز منابع در بانکداری ربوی و غیرربوی، تشریح روش‌های تخصیص منابع در بانکداری بدون ربا و بانکداری ربوی، تحلیل کارایی شیوه‌های تجهیز منابع در سیستم‌های بانکداری غیرربوی و ربوی و تحلیل و ارزیابی شیوه‌های تخصیص منابع در بانکداری غیرربوی و ربوی موضوعاتی است که در این مقاله به آن‌ها پرداخته می‌شود.

واژگان کلیدی

بانکداری ربوی، بانکداری غیرربوی، تجهیز منابع پولی، تخصیص منابع پولی، کارایی

مقدمه

نرخ بهره در مباحث نظری علم اقتصاد به مثابه یک متغیر مهم مطرح است. مقدار کمی این متغیر در نتیجه فعل و انفعالات بازار دارایی شامل بازار پول و بازار سرمایه تعیین می‌گردد (فریدمن، ۱۹۵۶). نرخ بهره در واقع پل ارتباطی بازار پول و بازار کالاها و خدمات است. بخش قابل توجهی از آثار تغییر و تحولات درونزا و برونزای بازار پول از طریق این متغیر روی بازار کالاها و خدمات منعکس می‌شود. این متغیر در ایجاد ارتباط بین بازارهای پول و کالاها و خدمات با ترازپرداخت‌ها نیز نقش بااهمیتی را ایفا می‌کند. تأثیرگذاری نرخ بهره بر اشتغال، تولید، تورم، ترازپرداخت‌ها و سایر متغیرهای اصلی در اقتصاد به‌ویژه بر نوسانات مربوط به بازارهای سرمایه و نرخ ارز به حدی است که گاهی اوقات متغیر نرخ بهره برای سیاست‌گذاران بخش پولی اقتصاد به مثابه متغیر هدف جایگزین حجم پول می‌گردد. نرخ بهره علاوه بر آنکه در ایجاد ارتباط بین بازارهای مختلف و ایجاد تعادل عمومی تأثیرگذار است، نقشی اساسی را در مباحث مربوط به پول و بانکداری نیز ایفا می‌کند. سیستم بانکی ربوی از طریق تغییر نرخ بهره پرداختی به سپرده‌گذاران و نرخ بهره دریافتی از سرمایه‌گذاران میزان سپرده‌های سپرده‌گذاران و همچنین، میزان تسهیلات اعطایی خود را تنظیم می‌کنند.

این نقش بااهمیت و ویژه نرخ بهره در نظریه‌های اقتصادی در حالی مطرح می‌شود که در دین اسلام نیز همچون سایر ادیان آسمانی ربا حرام است. در قرآن کریم در آیات ۲۷۵، ۲۷۶، ۲۷۸ و ۲۷۹ سوره بقره حرمت ربا به صراحت بیان شده است و کیفر ابدی برای رباخواران وعده داده شده است (صدر، ج ۲، ص ۲۰۸ و موسویان، ۱۳۸۴- الف، ب، ج). شایان ذکر است که ربا در لغت به معنای زیاده (اضافه) و نیز به معنای زیاده بر سرمایه است. ربا در شرع به معنای معامله‌ای یکی از دو کالای وزنی یا پیمانه‌ای متماثل با دیگری با زیاده در یکی از آن‌ها یا وام دادن به شرط اضافه است. بر اساس این تعریف، مهم‌ترین انواع ربا، ربای قرضی و ربای معاملی است. ربای قرضی، با قرض دادن با زیاده الزامی محقق می‌شود و ربای معاملی در معامله کالاها و وزنی و پیمانه‌ای با زیاده تحقق می‌یابد (انصاری، ۱۳۸۶). با این تفاسیر، مشخص می‌شود که واژه مترادف نرخ بهره بانکی، ربای قرضی است و در این مقاله نیز منظور از ربا در سیستم

بانکی، همان ربای قرضی است. حرمت ربا در اسلام و نقش نرخ بهره در اقتصاد طبق نظریه‌های علمی، جایگاه و اهمیت مطالعات مرتبط با این موضوع را که هدف آن‌ها ارائه راهکارهایی هرچند جزئی برای حذف ربا در فعالیتهای اقتصادی مسلمانان با توجه به شرایط، نیازها و الزامات اقتصاد امروز باشد، نمایان می‌سازد.

در حال حاضر در بسیاری از کشورهای اسلامی و بعضاً در کشورهایی که اسلام دین رسمی آن‌ها نیست، در پهنه کل کشور و یا در بعضی مناطق آن‌ها، راه حلی برای فرار از ربا و درعین حال، بهره‌گیری از نهاد بانک، نهادی ضروری در تسهیل فرایند توسعه و شکوفایی اقتصاد، بانکداری غیرربوی جایگزین نظام بانکداری ربوی شده و یا به موازات آن به کار گرفته می‌شود. نظام بانکداری غیرربوی علی‌رغم تنگناها و چالش‌هایی که فراروی اجرای آن قرار دارد، در تهیه و تجهیز منابع و همچنین، در تأمین نقدینگی لازم برای شریان‌های اقتصاد در بخش‌های مختلف صنعتی، کشاورزی و خدماتی، از مزیت‌های چشمگیری نسبت به بانکداری ربوی برخوردار است.

شناسایی امتیازات و کاستی‌های بانکداری غیرربوی در مراحل تجهیز و تخصیص منابع و تبیین مواردی که در آن‌ها کارایی بانکداری غیرربوی بیش از بانکداری ربوی است، از اهداف این پژوهش به شمار می‌رود. بدیهی است شناسایی نقاط قوت و ضعف بانکداری اسلامی در تجهیز و تخصیص منابع می‌تواند ضمن رونق و شکوفایی این سیستم بانکداری، زمینه لازم را برای پوشش کاستی‌های آن فراهم سازد. به همین دلیل، در این مقاله شیوه‌های تجهیز و تخصیص منابع مالی در سیستم‌های بانکداری ربوی و غیرربوی مرور و میزان کارایی آن‌ها تجزیه و تحلیل می‌گردد و با یکدیگر مقایسه می‌شوند و امتیازات بانکداری غیرربوی در مراحل تجهیز و تخصیص منابع معرفی و کاستی‌های آن نیز تبیین می‌شود.

۱. شیوه‌های تجهیز منابع در بانکداری ربوی و غیرربوی

در بانکداری ربوی، اساس فعالیت‌های بانکی بر مبنای بهره استوار است؛ بدین شکل که بانک‌ها از یک طرف با پرداخت بهره، سپرده‌های اشخاص را جذب می‌کنند و از طرف دیگر، با اعطای وام و اعتبار به اشخاص حقیقی و حقوقی از آن‌ها بهره دریافت می‌کنند. مابه‌التفاوت بین بهره‌های دریافتی بانک از سرمایه‌گذاران و بهره‌های پرداختی آن‌ها به

سپرده‌گذاران، پس از کسر هزینه‌های عملیاتی بانک، سود بانک‌ها را تشکیل می‌دهد. بنابراین، بانک‌های تجاری و تخصصی همانند سایر بنگاه‌های تجاری-اقتصادی دنبال حداکثرسازی سود خود هستند، با این تفاوت که برای کسب سود به جای خرید کالا با قیمت کمتر و فروش آن با قیمت بیشتر با دریافت وام از سپرده‌گذاران با بهره کمتر و اعطای وام به وام‌گیرندگان با بهره بیشتر، برای حداکثرسازی سود خود تلاش می‌کنند. سپرده‌های بانکی در بانکداری ربوی در یک تقسیم‌بندی کلی به سه گروه تقسیم می‌شوند؛ یعنی شیوه‌های مختلف تجهیز منابع در بانکداری ربوی شامل سپرده‌های جاری، سپرده‌های پس‌انداز و سپرده‌های مدت‌دار است (فرجی، ۱۳۷۹). برای سپرده‌های جاری حتی در بانکداری ربوی نیز نرخ بهره صفر است. البته بانک‌ها اخیراً در بعضی از کشورها برای تشویق بیشتر سپرده‌گذاران حتی به سپرده‌های جاری نیز مبالغ ناچیزی بهره پرداخت می‌کنند. بانک در سپرده‌های جاری در قبال در اختیار گرفتن پول سپرده‌گذاران، خدمات حساب جاری در اختیار آن‌ها قرار می‌دهد؛ یعنی علاوه بر آنکه بعضی از کارهای بانکی دارندگان حساب جاری را بدون دریافت کارمزد برای آن‌ها انجام می‌دهد، موجبات پرداخت آسان‌تر را برای صاحبان حساب‌ها فراهم آورده و آن‌ها از حمل و نگهداری پول نقد بی‌نیاز می‌سازد و از این حیث امنیت آن‌ها را بالا می‌برد. اما در سپرده‌های پس‌انداز و مدت‌دار در بانکداری ربوی بهره دریافت و پرداخت می‌شود و اهرم بانک برای تنظیم میزان سپرده‌ها و حجم اعتبارات نیز همین نرخ بهره است. شایان ذکر است که نرخ بهره در حقیقت مبلغی است که واحدهای اقتصادی دارای مازاد به سبب عرضه وجوه به واحدهایی که با کسری روبه‌رو شده‌اند، دریافت می‌کنند (دیولیو، ۱۳۷۱، ص ۷۷). البته دیدگاه‌های متفاوتی در توجیه دلیل پرداخت بهره توسط وام‌گیرنده به وام‌دهنده مطرح است؛ قبول ریسک و مخاطره توسط وام‌دهندگان، رجحان بین زمانی، محرومیت مالکیت از انتفاع در زمان قرض، پاداش به صاحب سرمایه برای خودداری از مصرف سرمایه‌اش، لحاظ سهم سرمایه از منافع فعالیت انجام‌شده و در نظر گرفتن تفاوت میان ارزش حال و ارزش آتی سرمایه، از جمله این دلایل است (صدر، ج ۲، صص ۲۳۴-۲۴۲).

در بانکداری بدون ربا با توجه به حرمت ربای قرضی طبق آیات و روایات و حتی بر اساس دیدگاه بعضی از اقتصاددانان غربی که معتقدند پول ناراست و صرفاً یک وسیله مبادله است، از شیوه‌های دیگری در تجهیز منابع استفاده می‌شود که مبتنی بر بهره نیست. یکی از این شیوه‌های تجهیز منابع در بانکداری بدون ربا، سپرده‌های قرض‌الحسنه است. ابزارهای انگیزشی بانک برای تشویق سپرده‌گذاران به سپرده‌گذاری در حساب‌های قرض‌الحسنه جاری تمامی ابزارهای بانکداری ربوی در جذب سپرده‌های جاری را شامل می‌شود. علاوه بر آن در بانکداری غیرربوی از ابزارهای انگیزشی ثواب اخروی نیز در کنار سایر ابزارها بهره گرفته می‌شود. بانک‌ها در سپرده‌های قرض‌الحسنه پس‌انداز نیز از ابزارهایی چون انجام بعضی خدمات بانکی بدون کارمزد، اعطای آسان‌تر تسهیلات و اعطای جوایز برای تشویق سپرده‌گذاران استفاده می‌کنند. در بانکداری ربوی برای تشویق سپرده‌گذاران برای سپرده‌گذاری در حساب پس‌انداز فقط از ابزار نرخ بهره استفاده می‌کنند. مشاهده می‌شود که در بانکداری غیرربوی اهرم‌های انگیزشی برای تشویق سپرده‌گذاران بسیار متنوع‌تر از بانکداری ربوی است.

سپرده‌های مدت‌دار یکی دیگر از شیوه‌های تجهیز منابع در بانکداری بدون رباست که در آن رابطه بین سپرده‌گذار و بانک به صورت رابطه دائن و مدیون نیست و به شکل رابطه وکیل و موکل است. بانک‌ها برای تشویق سپرده‌گذاران به سپرده‌گذاری در حساب‌های مدت‌دار به آن‌ها سود پرداخت می‌کنند. به عبارت دیگر، بانک‌ها برای ایجاد انگیزه در سپرده‌گذاران برای سپرده‌گذاری در حساب‌های مدت‌دار، به جای ابزار مرسوم در بانکداری ربوی، یعنی بهره، از اهرم سود بهره می‌گیرند. بانک‌های تجاری و تخصصی سپرده‌های سرمایه‌گذاری مدت‌دار را که در به کارگیری آن‌ها وکیل می‌باشند، در امور مشارکت، مضاربه، اجاره به شرط تملیک، معاملات اقساطی، مزارعه، مساقات، سرمایه‌گذاری مستقیم، معاملات سلف و جعاله استفاده می‌کنند و از محل سودهای کسب‌شده به صاحبان سپرده‌های مدت‌دار شامل سپرده‌های سرمایه‌گذاری کوتاه‌مدت، یکساله، دوساله، سه‌ساله و پنج‌ساله سود پرداخت می‌کنند. بانک‌ها بازپرداخت اصل سپرده‌های سرمایه‌گذاری مدت‌دار را تعهد و بیمه می‌کنند و منافع حاصل از عملیات

مربوط به کاربرد سپرده‌های مذکور را طبق قرارداد منعقدشده پس از برداشت حق الوکاله خود، متناسب با مدت و مبالغ سپرده‌های سرمایه‌گذاری و رعایت سهم مبالغ بانک پرداخت می‌کنند.

۲. روش‌های تخصیص منابع در بانکداری بدون ربا و بانکداری ربوی

بیشتر وجوه بانک‌ها در سیستم بانکداری ربوی، صرف اعطای انواع مختلف وام و دریافت بهره از متقاضیان وام می‌گردد. البته بانک‌های تجاری برای بهینه کردن ترکیب پرتفوی خود ممکن است بخشی از منابع خود را اختصاص به نگهداری طلا، ارز و سایر دارایی‌های درآمدزا یا مولد درآمد مانند اوراق قرضه کنند، ولی اعطای وام و دریافت بهره بابت آن اساس کار آن‌ها را در تخصیص منابع تشکیل می‌دهد. تخصیص منابع در بانکداری بدون ربا با بانکداری ربوی تفاوت ماهوی دارد و تسهیلات اعطایی در قالب عقود اسلامی به یکی از صور قرض‌الحسنه، خرید دین، مضاربه، مشارکت مدنی، مشارکت حقوقی، فروش اقساطی، اجاره به شرط تملیک، سلف، جعاله، سرمایه‌گذاری مستقیم، مزارعه و مساقات در اختیار متقاضیان قرار می‌گیرد. در نظام بانکداری غیرربوی، صاحبان سپرده‌های سرمایه‌گذاری کوتاه‌مدت و بلندمدت از طریق بانک‌ها در فعالیت‌های مختلف اقتصادی مشارکت می‌کنند. بانک‌ها می‌توانند با نقش وکیل سپرده‌گذاران با حق توکیل غیر، به منظور ایجاد تسهیلات لازم برای گسترش فعالیت بخش‌های مختلف صنایع و معادن، کشاورزی و خدمات، قسمتی از سرمایه و یا منابع مورد نیاز این بخش‌ها را به صورت مشارکت تأمین کنند. بانک‌ها در اعطای تسهیلات ترتیبی اتخاذ می‌کنند که بر اساس پیش‌بینی‌های مربوط، اصل منابع تأمین شده برای این تسهیلات و نیز سود مورد انتظار در صورت تحقق، در مدت معین برگشت‌پذیر باشد. بانک در نظام بانکی بدون ربا، از محل سپرده‌های مدت‌دار که در به کار گرفتن آن‌ها از سوی سپرده‌گذاران وکالت دارد، در قالب عقود مضاربه، مشارکت مدنی، مشارکت حقوقی، فروش اقساطی مواد اولیه و لوازم یدکی، فروش اقساطی وسایل و لوازم و تأسیسات، فروش اقساطی مسکن، اجاره به شرط تملیک، سلف، جعاله، سرمایه‌گذاری مستقیم، مزارعه و مساقات، تسهیلاتی را در اختیار مشتریان خود قرار می‌دهد.

در سیستم بانکداری بدون ربا، تسهیلات اعطایی در قالب قرض الحسنه از محل سپرده‌های قرض الحسنه تودיעی اشخاص اعطا می‌گردد. تسهیلات اعطایی در قالب خرید دین نیز از محل منابع بانک تأمین می‌شود. تسهیلات اعطایی به شکل قرض الحسنه و رد دین از نظر حقوقی مبتنی بر رابطه دائن و مدیون است؛ بنابراین، این تسهیلات از محل سپرده‌های مدت‌دار که مبتنی بر رابطه وکیل و موکل است، قانوناً پرداختنی نیست.

در ادامه بحث، به منظور آشنایی بیشتر با نحوه تخصیص منابع در بانکداری بدون ربا و بررسی و تبیین نقاط قوت و ضعف این سیستم بانکداری در تخصیص منابع، عقود مختلف اسلامی معرفی شده در بالا که در تخصیص منابع بانک‌ها استفاده می‌شوند، به اختصار تشریح و نحوه به کارگیری آن‌ها تبیین می‌شود.

بانک‌ها در تسهیلات اعطایی به صورت قرض الحسنه مقدار معینی از منابع خود را طبق ضوابط مقرر به افراد یا شرکت‌ها تملیک می‌کنند، مشروط بر اینکه قرض‌گیرنده مثل و یا در صورت عدم امکان، قیمت آن را به بانک بازگرداند. بانک‌ها به منظور ایجاد تسهیلات لازم در امور تولیدی، خدماتی و یا در جهت رفع احتیاجات ضروری به اشخاص حقیقی و یا حقوقی قرض الحسنه پرداخت می‌کنند. بررسی سهم مانده تسهیلات اعطایی از طریق قرض الحسنه نشانگر آن است که سهم مانده تسهیلات اعطایی به صورت قرض الحسنه از کل تسهیلات اعطایی بانک‌ها از سال ۱۳۶۳، که قانون عملیات بدون ربا اجرا شده است، بین حداقل ۳/۶۲ درصد در سال ۱۳۷۱ و حداکثر ۱۱/۵۹ درصد در سال ۱۳۶۵ در نوسان بوده است.

بانک‌ها در تسهیلات اعطایی به صورت مضاربه سرمایه نقدی مورد نیاز تجار و بازرگانان را تأمین می‌کنند، با قید اینکه دریافت‌کننده تسهیلات با آن تجارت کند و سود حاصل را طبق قرارداد با یکدیگر تقسیم کنند. مضاربه از جمله عقود جایز است و هر یک از طرفین، اختیار فسخ قرارداد را دارد؛ مگر اینکه در قرارداد شرط دیگری تعیین شده باشد. در معاملات بانکی متن قرارداد مضاربه را طوری تنظیم می‌کنند که عامل با امضای قرارداد شرط ترک فسخ قرارداد را تا زمان تسویه کامل آن از جانب خود بپذیرد. علاوه بر آن اخیراً برای آنکه بانک‌های تجاری مطمئن شوند که سرمایه آن‌ها به

سبب حوادث احتمالی به خطر نمی‌افتد، معمولاً هنگام اعطای تسهیلات مضاربه‌ای به متقاضیان تسهیلات، آن‌ها را وادار می‌کنند که سرمایه را بیمه کنند. در میان عقود اسلامی که در محدوده معاملات بانکی به کار گرفته می‌شود، مضاربه برجسته‌ترین مورد مناسب برای انواع فعالیت‌های تجاری است که کلیه بازرگانان و آنان که به کسب و کار اشتغال دارند، در صورت نیاز به سرمایه می‌توانند با مراجعه به بانک و انعقاد قرارداد مضاربه، وجه لازم را بگیرند و به کار تجاری مورد نظر خود پردازند. منظور از انواع فعالیت‌های تجاری، خرید از داخل کشور و فروش در خارج، خرید از خارج و فروش در داخل کشور و خرید و فروش در داخل کشور است. البته در حال حاضر به جز واردات که به موجب قانون از طریق مضاربه با بانک‌ها برای بخش خصوصی مجاز نیست، در مورد صادرات و بازرگانی داخلی، منابع بانک‌ها می‌تواند به صورت مضاربه مورد استفاده اشخاص حقیقی یا حقوقی قرار گیرد. دقت در آمار مربوط به مانده تسهیلات اعطایی در قالب عقود اسلامی پس از اجرای قانون عملیات بانکی بدون ربا، مبین آن است که مانده تسهیلات اعطایی در قالب عقد مضاربه قابل توجه بوده و این عقد پس از عقود فروش اقساطی و مشارکت مدنی بالاترین سهم را داشته است (موسایی، ۱۳۷۹). سهولت اعطای تسهیلات در قالب این عقد مانند عقود فروش اقساطی و مشارکت مدنی دلیل استقبال بیشتر بانک‌ها از این عقد در به کارگیری منابع وجوه‌شان است. محدودیت به کارگیری عقد مضاربه از آنجا ناشی می‌شود که این عقد تنها در امور بازرگانی و تجاری کاربرد دارد و در سایر بخش‌های اقتصاد اعم از بخش‌های صنعتی، کشاورزی و همچنین، زیربخش‌های خدمات غیر از بازرگانی، قابل استفاده نیست. از آنجایی که در بانکداری بدون ربا از عقود دیگری نیز در کنار مضاربه استفاده می‌شود که آن عقود این محدودیت را ندارند، لذا می‌توان با بهره‌گیری از آن‌ها این محدودیت را کم‌اثر کرد. علاوه بر آن، عقد مضاربه از عقود جایزه است و طرفین عقد می‌توانند در هر زمان که خواستند، آن را فسخ کنند؛ برای رفع این مشکل باید در عقد خارج دیگری عدم فسخ شرط گردد که خود این کار موجب پیچیدگی عملیات بانکی می‌گردد.

یکی دیگر از عقود اسلامی که در تخصیص منابع در بانکداری اسلامی استفاده می‌گردد، مشارکت مدنی است. در مشارکت مدنی سهم‌الشرکه نقدی و یا جنسی بانک با سهم‌الشرکه نقدی و یا جنسی شریک در هم آمیخته می‌شود و از آن به‌نحو مشاع برای انجام کار معینی در زمینه‌های تولیدی، بازرگانی و خدماتی به مدت محدود و به قصد انتفاع بهره گرفته می‌شود. در مشارکت مدنی، بانک و شریک طبق قرارداد، سهم‌الشرکه نقدی خود را به حساب مخصوصی که در بانک اعطاکننده تسهیلات برای شریک افتتاح می‌گردد، واریز کرده و چنانچه تمام یا قسمتی از سهم‌الشرکه غیرنقدی باشد، باید با توافق شرکا تقویم و ارزش ریالی آن در حساب مورد نظر منظور گردد. ملاحظه می‌شود که از مشارکت مدنی در تأمین منابع مالی مورد نیاز در امور تولیدی، بازرگانی و خدماتی استفاده می‌گردد. برخلاف مضاربه که بانک سرمایه نقدی مورد نیاز را به‌انحصار تأمین می‌کند، در مشارکت مدنی، تأمین سرمایه اعم از نقدی و غیرنقدی، به صورت مشارکتی توسط بانک و شریک است. موضوع مشارکت مدنی باید ظرف مدت یک سال خاتمه یابد و در مواردی که این قرارداد برای امور تولیدی، صنعتی، معدنی، کشاورزی و احداث مسکن و ساختمان و نیز برای طرح‌های جدید خدماتی صورت پذیرد، مدت قرارداد می‌تواند تا سه سال افزایش یابد. بررسی آمار و ارقام مربوط به مانده تسهیلات اعطایی بانک‌های تجاری و تخصصی ایران در قالب عقود اسلامی از زمان اجرای قانون عملیات بانکی بدون ربا، نشانگر آن است که پس از عقد فروش اقساطی، بالاترین مانده تسهیلات اعطایی بانک‌ها در قالب عقد مشارکت مدنی بوده است. استفاده از عقد مشارکت مدنی در اعطای تسهیلات از نظر کاربرد برای بانک‌های عامل از سهولت بالایی برخوردار است و همین موضوع باعث شده است که مانده تسهیلات اعطایی در قالب عقد مشارکت مدنی نرخ رشد بالایی را داشته و سهم مانده تسهیلات اعطایی در قالب این عقد رتبه دوم را در میان عقود داشته باشد.

بخشی از منابع تجهیز شده بانک‌های تجاری در بانکداری بدون ربا به صورت مشارکت حقوقی برای تأمین نقدینگی مورد نیاز فعالان اقتصادی استفاده می‌گردد. بانک‌ها در مشارکت حقوقی با تأمین قسمتی از سرمایه شرکت‌های سهامی جدید و در حال تأسیس یا خرید قسمتی از سهام شرکت‌های سهامی موجود، تسهیلات لازم را

برای گسترش فعالیت‌های بخش‌های اقتصادی تأمین می‌کنند. البته بانک‌ها فقط در شرکت‌هایی مشارکت می‌کنند که نسبت سرمایه آن‌ها به کل منابع مالی شرکت با احتساب سهم مشارکت بانک‌ها، کمتر از ۳۰ درصد نباشد؛ علاوه بر آن، بانک‌ها مجازند حداکثر ۴۹ درصد سهام یک شرکت را بخرند.

در توضیحات ارائه‌شده در خصوص دو عقد مشارکت مدنی و مشارکت حقوقی، اشاره شد که بانک‌ها می‌توانند به منظور ایجاد تسهیلات لازم برای گسترش فعالیت‌های بخش‌های مختلف تولیدی و بازرگانی و خدماتی، قسمتی از سرمایه و یا منابع مورد نیاز این بخش‌ها را به صورت مشارکت تأمین کنند؛ بنابراین، قسمت دیگر سرمایه و منابع مورد نیاز باید به وسیله متقاضی تسهیلات تأمین شود، در غیر این صورت، مشارکت تحقق پیدا نمی‌کند. لذا عقود مشارکت مدنی و حقوقی تنها در مواردی کاربرد دارند که متقاضی بتواند بخش‌هایی از سرمایه مورد نیاز را تأمین کند. در نتیجه در مواردی که متقاضی تنها از نیروی کار و تخصص و مدیریت برخوردار است و سرمایه قابل توجهی ندارد، نمی‌تواند به صورت مشارکت حقوقی و مدنی تسهیلات دریافت کند و این مطلب یک عامل بازدارنده در به کارگیری این عقود عمل می‌کند. البته از آنجایی که در قوانین شرعی مربوط به شرایط صحت عقود مشارکت مدنی و مشارکت حقوقی حداقلی برای آورده طرفین مشارکت مطرح نشده است و ارقام و محدودیت‌های مطرح‌شده شرعی نیستند و صرفاً قانونی می‌باشند، لذا برای بهره‌گیری بیشتر از این عقود می‌توان مقررات مربوط به تعیین سقف سهم بانک‌ها را در تأمین مالی اصلاح کرد و آن‌ها را کاهش داد.

بانک‌ها در بانکداری اسلامی بخشی از منابع خود را از طریق سرمایه‌گذاری مستقیم به جریان می‌اندازند و از محل سودهای حاصل از این کار و پس از کسر حق‌الوکاله خود و برداشتن سهم سود منابع خود بانک، سود صاحبان سپرده‌ها را پرداخت می‌کنند. بانک در سرمایه‌گذاری مستقیم به تنهایی یا با مشارکت یک یا چند بانک دیگر و بدون مشارکت اشخاص حقیقی و یا حقوقی غیربانکی سرمایه لازم را برای طرح‌های تولیدی و طرح‌های عمرانی انتفاعی تأمین کرده و آن‌ها را اجرا می‌کند. نکته حائز اهمیت اینکه برای جلوگیری از دور شدن بانک‌های تجاری از وظایف

بانکداری خود، بانک‌ها تنها در مواردی می‌توانند از طریق سرمایه‌گذاری مستقیم واحدهای جدید تولیدی و عمرانی تأسیس و راه‌اندازی کنند که اجرای چنین طرح‌هایی از طریق مشارکت حقوقی امکان‌پذیر نباشد و با توجه به اولویت‌های برنامه توسعه اقتصادی و عمرانی کشور اجرای آن طرح‌ها ضروری باشد. همچنین، بانک‌ها به هیچ وجه حق ندارند در تولید اشیای تجملی و مصرفی غیرضروری سرمایه‌گذاری کنند.

یکی از عقود که بانک‌های تجاری در بانکداری بدون ربا از آن برای تأمین نقدینگی مورد نیاز واحدهای اقتصادی جامعه بهره‌گیری می‌کنند، فروش اقساطی است. فروش اقساطی عبارت از واگذاری عین به غیر به قیمت مشخص است، به ترتیبی که تمام یا قسمتی از بهای مزبور به اقساط مساوی یا غیرمساوی در سررسید یا سررسیدهای معین دریافت گردد. بانک‌ها در بانکداری بدون ربا با استفاده از این عقد ضمن تأمین وجوه مورد نیاز واحدهای اقتصادی برای خرید مسکن، مواد اولیه و لوازم یدکی و اموال منقول نظیر وسائل، ماشین‌آلات و تجهیزات، مانع از ربوبی شدن فعالیت‌های خود می‌گردند. بانک‌های تجاری در بانکداری بدون ربا به جای اعطای وام به متقاضیان وام برای خرید مسکن یا خرید مواد اولیه و ماشین‌آلات، آن‌ها را با استفاده از سپرده‌های مدت‌دار مشتریان خود، نقدی می‌خرند و یا حتی بعضاً با سرمایه‌گذاری مستقیم آن‌ها را تولید می‌کنند و با فروش آن‌ها به صورت قسطی و با قیمتی بالاتر از قیمت خرید یا قیمت تمام‌شده به متقاضیان تسهیلات ضمن رفع نیاز پولی سرمایه‌گذاران، سود نیز کسب می‌کنند و از محل سودهای حاصل سود سپرده‌گذاران را پرداخت می‌کنند. فروش اقساطی در امور بازرگانی قابل استفاده نیست و تنها به صورت ابزاری کوتاه‌مدت، میان‌مدت و بلندمدت برای رفع نیازهای سرمایه‌ای واحدهای تولیدی و خدماتی و نیز ابزاری بلندمدت برای رفع متقاضیان مسکن کاربرد دارد. نکته گفتمنی در فروش اقساطی آن است که بانک‌ها مطلقاً از خرید اموال بدون متقاضی، منع شده‌اند. لذا پس از انعقاد قرارداد و خرید کالا، جنس خرید شده باید در اختیار متقاضی قرار گیرد، تا نقش واسطه‌گری بانک محفوظ بماند. در نظام بانکداری ایران، یک نمونه برای بانکداری غیرربوبی، به کارگیری قرارداد فروش اقساطی از جهت میزان تخصیص منابع، روند افزایشی را پشت سر گذاشته است. این روند افزایشی

معنادار است؛ زیرا تعیین نرخ بهره بر اساس قیمت تمام‌شده (اصل سرمایه) انجام می‌گیرد و این چنین مبنایی در تعیین این نرخ، این قرارداد را از بخش واقعی دور و به حوزه بهره مرتبط می‌سازد؛ به طوری که این شبهه ایجاد می‌شود که از قرارداد برای فرار از بهره استفاده می‌شود (آقانظری، ۱۳۸۶، ص ۶۱).

اجاره به شرط تملیک نیز یکی دیگر از عقود اسلامی است که در بانکداری بدون ربا بسیار استفاده می‌شود. اجاره به شرط تملیک قرارداد اجاره‌ای است که در آن شرط شود مستأجر در پایان مدت اجاره در صورت عمل به شرایط مندرج در قرارداد، عین مستأجره را مالک گردد. بانک‌های تجاری در سیستم بانکداری اسلامی به منظور فرار از انجام فعالیت‌های ربوی، به جای اعطای وام به متقاضیان وام برای خرید مسکن یا خرید ماشین‌آلات و تجهیزات و ابزار کار، این اقلام را با سرمایه‌گذاری مستقیم یا خرید نقدی تهیه می‌کنند و به صورت اجاره به شرط تملیک در اختیار آن دسته از متقاضیان تسهیلاتی قرار می‌دهد که هدف آن‌ها از دریافت تسهیلات خرید موارد مذکور است. بنابراین، طرف‌های قرارداد بانک، مبالغی را در اجاره به شرط تملیک در هر ماه پرداخت می‌کنند، بابت اصل و فرع وام نیست بلکه اجاره استفاده از آن‌هاست. همان طوری که در تعریف عقد اجاره به شرط تملیک نیز اشاره شد، در صورتی که مستأجر اجاره‌بهای ماهانه خود را به موقع و طبق قرارداد پرداخت کند و سایر شروط مندرج در اجاره‌نامه را عمل کند، در پایان دوره اجاره، مالک موضوع اجاره‌نامه خواهد شد. بدیهی است وجوه دریافتی بانک تحت عنوان اجاره از قیمت خرید عین مستأجره بیشتر است و بانک از محل وجوه مازاد مبالغی را به صاحبان سپرده‌ها می‌پردازد. اجاره به شرط تملیک از تسهیلات میان‌مدت و بلندمدت اعتباری است که برای گسترش بخش‌های مختلف اقتصاد اعم از امور خدماتی، کشاورزی، صنعتی، معدنی و ساختمان قابلیت استفاده دارد. در هر حال، مدت اجاره به شرط تملیک نباید از طول عمر مفید اموال موضوع معامله تجاوز کند. انجام این معاملات در مورد اموالی که طول عمر مفید آن‌ها کمتر از دو سال باشد، برای بانک‌ها مجاز نیست. اجاره به شرط تملیک از ظرفیت بالایی در فعالیت‌های بانکی بدون ربا به‌ویژه در بخش مسکن برخوردار است. شایان ذکر است که در سیستم بانکداری ایران، شرط‌ها و تعهدات بسیار موجود در عقد اجاره

به شرط تملیک، این عقد را از حالت اصلی خود خارج ساخته است. در تسهیلات اعطاشده توسط بانک‌های تجاری ایران در قالب این عقد، از همان ماده اول قرارداد، شرط‌ها و قیدهایی گنجانیده شده است که تقریباً تمام دریچه‌های احتمالی ممکن را بر روی مستأجر یا همان متقاضی تسهیلات از بانک ببندد. در ماده اول، کلیه اختیارات به‌ویژه اختیار غبن ولو فاحش از مستأجر سلب شده و مشتری آن را ساقط می‌کند (علوی و رجایی، ۱۳۸۶، صص ۱۰۴-۱۰۵).

یکی دیگر از روش‌های اعطای تسهیلات در نظام بانکی بدون ربا، اعطای تسهیلات از طریق عقد معاملات سلف است. بانک در اعطای تسهیلات با استفاده از این عقد، محصولات تولیدی متقاضی تسهیلات را به قیمت معین پیش‌خرید می‌کند. بانک‌ها می‌توانند به منظور تأمین سرمایه در گردش مورد نیاز واحدهای تولیدی متقاضی تسهیلات شامل واحدهای صنعتی، معدنی و کشاورزی، اعم از حقیقی یا حقوقی، محصولات تولیدی آن‌ها را پیش‌خرید کنند. وقتی که در جریان تولید کالا، تولیدکننده‌ها دچار کمبودهایی در تأمین قسمتی از سرمایه در گردش مورد نیاز خود شوند، بانک‌ها از طریق پیش‌خرید محصولات آن‌ها به قیمت معین، نقدینگی مورد نیاز آن‌ها را تأمین و مشکل آن‌ها را رفع می‌کنند. بنابراین، خرید کالاهای موجود متقاضی که بنا به دلایلی در شرایط روز قابل عرضه در بازارهای داخلی یا خارجی نیست، مشمول معامله سلف نمی‌شود. به عبارت دیگر، معامله سلف در مورد کالاهایی است که نیاز پولی متقاضی الزاماً برای تولید همان مورد معامله سلف به وجود آمده باشد؛ بدین معنا که قسمتی از هزینه تولید کالا توسط متقاضی تأمین می‌شود و تنها بخشی از سرمایه در گردش برای تولید محصول نهایی به صورت معامله سلف توسط بانک در اختیار او قرار می‌گیرد.

یکی دیگر از روش‌های اعطای تسهیلات در نظام بانکداری بدون ربا استفاده از عقد جعاله است. جعاله به معنای التزام شخص به ادای مبلغ یا اجرت معلوم در مقابل عملی معین است که در آن طرفی که عمل را انجام می‌دهد، «عامل یا پیمانکار» و شخصی را که تعهد پرداخت اجرت یا کارمزد می‌کند، «جاعل یا کارفرما» و مبلغ پرداختی به عامل را «جعل یا عوض» گویند. بانک‌ها می‌توانند به منظور ایجاد تسهیلات

لازم برای گسترش امور تولیدی، بازرگانی و خدماتی نقش عامل یا هنگام اقتضاء جاعل را بازی کنند. در مواردی که بانک عامل جعاله باشد، در قرارداد جعاله اختیار بانک برای واگذاری قسمتی از عمل معین به غیر، تحت عنوان جعاله ثانوی یا هر عنوان دیگر بی‌اشکال است.

یکی دیگر از ابزارهای کوتاه‌مدت که بانک‌ها به وسیله آن تسهیلات لازم را در اختیار مشتریان خود قرار می‌دهند، «خرید دین» است. خرید دین عبارت از تنزیل آن دسته از اسناد و اوراق تجاری است که مفاد آن حاکی از بدهی ناشی از معاملات تجاری باشد. بانک‌ها می‌توانند از این قرارداد به منظور اعطای تسهیلات کوتاه‌مدت برای تأمین مالی نیازهای واحدهای تولیدی، بازرگانی و خدماتی که سررسید آن‌ها از یک سال تجاوز نکند، استفاده کنند. اوراق و اسناد تجاری که توسط بانک‌ها خریده می‌شود، باید ناشی از معاملات تجاری بوده و خریدار سفته نیز از اعتبار لازم برخوردار باشد تا بازپرداخت اصل وجوه و سود مورد انتظار برگشتنی، توسط متقاضی تسهیلات با مشکلی مواجه نشود. از آنجایی که تعدادی از اشخاص حقیقی و حقوقی فعال در بازار از جمله صاحبان کسب و کارهای جزء به واسطه نوع فعالیت خود، نمی‌توانند از سایر تسهیلات اعطایی بانک‌ها استفاده کنند؛ از این رو، بانک‌های تجاری و تخصصی در بانکداری بدون ربا برای تأمین نیازهای مالی و نقدینگی مورد نیاز این دسته از اشخاص خط اعتباری خاصی در نظر می‌گیرند. نحوه استفاده از این خط اعتباری به این ترتیب است که اشخاص مذکور کالاهای خریده‌شده را از فروشندگان تحویل می‌گیرند و به جای پرداخت وجه به فروشندگان سفته‌ای معادل قیمت خرید و به مدت تعیین‌شده مورد توافق به آن‌ها تسلیم می‌کنند. فروشندگان کالا نیز سفته را به بانک محل اعتبار خریدار برده و آن‌ها را تنزیل می‌کنند. سفته‌هایی که به این ترتیب تنزیل می‌گردد، اعتبار خریدار محسوب شده و فقط توسط متعهد اصلی یا خریدار کالا و ضامن او قابل پرداخت بوده و بانک حق مراجعه به فروشنده سفته به بانک یا تنزیل‌کننده آن نزد بانک را که در واقع همان فروشنده کالا است، ندارد. بررسی مانده تسهیلات اعطایی از طریق خرید دین نشان می‌دهد که مانده مذکور در حال حاضر از رقم آن در سال ۱۳۶۳، یعنی سال اول اجرای قانون عملیات بانکی بدون ربا، کمتر است و تسهیلات اعطایی در

چارچوب این عقد در بیشتر سال‌های اجرای قانون عملیات بانکی بدون ربا یک نرخ رشد منفی را تجربه کرده است. در بانکداری ربوی به جای ابزار خرید دین از تنزیل سفته‌های تجاری و اوراق بهادار تجاری استفاده می‌شود.

بانک‌های تجاری و تخصصی در نظام بانکداری اسلامی می‌توانند برای تخصیص منابع خود به بخش کشاورزی و تأمین نقدینگی مورد نیاز این بخش از «عقد مزارعه» بهره بگیرند. مزارعه قراردادی است که به موجب آن یکی از طرفین با عنوان «مزارع»، زمین مشخصی را برای مدت معین در اختیار طرف دیگر با عنوان «عامل» قرار می‌دهد تا در زمین مذکور زراعت کند و محصول برداشت‌شده از آن را طبق قرارداد منعقدشده بین مزارع و عامل بین خود تقسیم کنند. در مزارعه که یکی از روش‌های تأمین مالی کوتاه‌مدت بخش کشاورزی است، بانک‌ها می‌توانند برای کمک به بهبود و تسهیل جریان تولیدات بخش کشاورزی و به منظور افزایش بهره‌وری و تولید محصولات در این بخش، با عنوان مزارع اراضی مزروعی را که مالک آن‌ها هستند و یا به هر عنوان دیگری مجاز به تصرف و بهره‌برداری از آن‌ها می‌باشند، طبق قرارداد، در اختیار عامل قرار دهند. در عقد مزارعه ممکن است که بخشی از هزینه‌های کاشت، داشت و برداشت از زمین‌ها طبق توافق توسط بانک پرداخت شود. البته بانک‌ها در این رابطه بدون موافقت شورای پول و اعتبار مجاز به تحصیل زمین‌های مزروعی از طریق خرید، صلح، اجاره و نظایر آن نیستند. قرارداد مزارعه با تقسیم محصول و تحویل سهم بانک خاتمه می‌یابد. البته در مواردی بسته به نوع محصول ممکن است که بانک ترجیح دهد که سهم محصول خود را توسط عامل بفروشد که در این موارد باید موضوع در قرارداد ذکر گردد. ملاحظه می‌شود که بانک‌ها در بانکداری بدون ربا با بهره‌گیری از عقد مزارعه ضمن تأمین منابع مالی و نقدینگی مورد نیاز برای طرف قرارداد خود، سپرده موکلان خود را در فعالیت‌های تولیدی در بخش کشاورزی به کار می‌گیرند و از محل سهم خود از محصول تولیدی سودی را به سپرده‌گذاران پرداخت می‌کنند که هیچ‌گونه ماهیت ربوی ندارد. بررسی آمار و ارقام مربوط به سهم مانده تسهیلات اعطایی در قالب عقد مزارعه مشخص‌کننده پایین بودن سهم این عقد از کل مانده تسهیلات اعطایی در

قالب عقود اسلامی است؛ ولی سهم آن در طی سال‌های اجرای قانون عملیات بانکی بدون ربا همواره یک روند صعودی را طی کرده است.

بانک‌ها در سیستم بانکداری بدون ربا علاوه بر عقود فوق می‌توانند در تخصیص آن بخشی از منابع خود که به صورت سپرده‌های مدت‌دار تجهیز شده‌اند، از عقد «مساقات» نیز استفاده کنند. مساقات معامله‌ای است که بین صاحب درخت و امثال آن با عامل در مقابل حصه معین از ثمره واقع می‌شود. ثمره ممکن است میوه، برگ، گل و غیر آن باشد. مساقات از جمله عقود است که بانک‌ها از آن برای اعطای تسهیلات اعتباری کوتاه‌مدت حداکثر یکساله استفاده می‌کنند. بانک‌ها می‌توانند به منظور افزایش بهره‌وری و تولید محصولات کشاورزی و درختان مثمری را که مالک عین و یا منفعت آن‌ها بوده و یا به هر عنوان، مجاز به تصرف و بهره‌برداری از آن‌ها می‌باشند، در قالب عقد مساقات در اختیار عامل قرار دهند. علاوه بر این، بانک‌ها می‌توانند عوامل لازم دیگر نظیر آب، کود، سم و وسیله حمل و نقل را طبق قرارداد برای عامل تأمین کنند و حتی در موارد ضروری با توجه به نسبت سهم طرفین از ثمره، مبلغی به صورت نقدی در طول دوره تولید به عامل پرداخت کنند. مشاهده می‌شود که بانک‌ها در تسهیلات اعطایی در قالب عقد مساقات بدون آنکه وارد فعالیت ربوی شوند، در امور تولیدی زیربخش باغداری یک نقش مثبت را ایفا می‌کنند و ضمن تأمین بخشی از نقدینگی مورد نیاز این زیربخش و کمک به امر تولید، از محل فروش حصه خود از محصولات برداشت‌شده بر اساس عقد مساقات، سود سپرده‌های مدت‌دار موکلان خود را نیز پرداخت می‌کنند. بهره‌گیری از عقد مساقات در اعطای تسهیلات مختص به بانک تخصصی کشاورزی نیست و سایر بانک‌های تخصصی و تجاری نیز می‌توانند از طریق تحصیل باغ‌ها و یا تبدیل اراضی ملکی خود، به موقعیتی دست یابند که از طریق مساقات نسبت به نگهداری و پرورش درختان خود با عامل عقد قرارداد مساقات کنند و سهم خود را از محصولات باغ‌ها طبق قرارداد دریافت کنند. سهم عقد مساقات نیز همانند سهم عقد مزارعه از مانده تسهیلات اعطایی بر اساس عقود اسلامی خیلی بالا نیست، ولی در طول دوره اجرای قانون عملیات بانکی بدون ربا سهم آن به همراه سهم عقد مزارعه یک روند روبه‌رشدی را پشت سر گذاشته است. بر اساس آمار منتشرشده

توسط اداره بررسی‌های اقتصادی بانک مرکزی، سهم تسهیلات اعطاشده بانک‌های تجاری در قالب عقود مزارعه و مساقات روی هم در سال ۱۳۶۳ حدود ۰/۲ درصد و در سال‌های اخیر نزدیک به ۸ درصد کل تسهیلات اعطایی بانک‌های تجاری به بخش غیردولتی را تشکیل داده است.

عنایت به مطالب مطرح‌شده در خصوص عقد مزارعه و عقد مساقات گویای این واقعیت است که این دو عقد تنها در بخش کشاورزی کاربرد دارند و در سایر بخش‌های اقتصاد قابل استفاده نیستند؛ به‌ویژه اینکه بانک در استفاده از این دو عقد عامل نیست و صرفاً در نقش مالک زمین یا درخت یا بذر می‌تواند از این دو عقد استفاده کند. چون بانک این امور را در اختیار ندارد و تملک آن‌ها نیز برای بانک با مشکلاتی روبه‌روست، بنابراین، در عمل بانک‌ها نمی‌توانند از این دو عقد استفاده چندانی در اعطای تسهیلات بکنند و بهره‌گیری آن‌ها از این دو عقد بسیار اندک است.

۳. مقایسه کارایی و نقاط ضعف و قوت بانکداری بدون ربا و بانکداری ربوی

کارایی بانک در تجهیز و تخصیص منابع در حقیقت به ماهیت واسطه‌گری مالی بانک برمی‌گردد. بانک‌های تجاری نهادهایی هستند که با استفاده از ابزارهایی منابع را تجهیز و با به کارگیری منابع تجهیزشده و تخصیص آن‌ها، علاوه بر تأمین نقدینگی مورد نیاز فعالیت‌های گوناگون اقتصاد، سعی در حداکثرسازی سود خود دارند. با این تفاسیر می‌توان کارایی بانک در تجهیز منابع را به صورت توانایی و قابلیت بانک در تجهیز منابع با هزینه کمتر و سهولت بیشتر و با شیوه‌های متنوع‌تر و سازگارتر با عقاید مشتریان تعریف کرد. منظور از کارایی در تخصیص منابع نیز اختصاص وجوه جمع‌آوری‌شده به شکل بهینه و آسان و با هزینه کمتر، به فعالیت‌های اقتصادی است.

با عنایت به تعاریف پیشین، در این مقاله، پایین بودن هزینه‌های عملیاتی بانک، میزان سهولت دسترسی سرمایه‌گذاران به منابع بانک، قابلیت تخصیص منابع به فعالیت‌های اقتصادی مولد، پایین‌تر بودن آثار تورمی فعالیت‌های بانک، میزان انطباق فعالیت‌های بانک با وظایف تخصصی آن، تنوع بیشتر در شیوه‌های تجهیز منابع، سهولت اجرای سیاست‌های پولی و روشن بودن فرایند عملیات بانک برای

سپرده‌گذاران و سرمایه‌گذاران، شاخص‌ها و معیارهای مقایسه‌ کارایی بانکداری ربوی و غیرربوی در نظر گرفته می‌شوند.

دقت در مطالب ارائه‌شده با عنوان شیوه‌های تجهیز و تخصیص منابع در بانکداری ربوی و غیرربوی گویای این واقعیت است که در بانکداری بدون ربا به دلیل آنکه بانک، وکیل سپرده‌گذاران، سپرده‌های آنان را بر اساس یکی از عقود اسلامی به جریان می‌اندازد، در مراحل مختلف پرداخت تسهیلات به سرمایه‌گذاران و شرکای بانک بر کار آن‌ها نظارت دارد و به همین سبب، منابع به سمت فعالیت‌های زیربنایی و مولد هدایت می‌شوند. در مقابل، در بانکداری مبتنی بر ربا چنین نظارتی وجود ندارد. در بانکداری ربوی نوع فعالیت متقاضی وام برای بانک مهم نیست و همین‌که بانک از توانایی متقاضی وام در بازپرداخت اصل و فرع وام اطمینان حاصل کند و تضمین‌های لازم را دریافت نماید، وام اعطا می‌کند؛ حتی اگر متقاضی، تسهیلات دریافتی را صرف امور غیرتولیدی و بعضاً مخرب مانند خرید و فروش ارز و طلا و یا احتکار کالاهای ضروری بکند و از این طریق، برای سودجویی خود سازوکار بازار را دچار اختلال کند. با این تفاسیر می‌توان اذعان کرد که یکی از ضعف‌های بانکداری ربوی این است که بخش زیادی از منابع بانک‌ها به امور بازرگانی و مصرفی تخصیص پیدا می‌کند و کمتر جذب فعالیت‌های تولیدی و زیربنایی می‌گردد. در مقابل هدایت منابع به سوی فعالیت‌های تولیدی از ویژگی‌های بارز بانکداری بدون رباست؛ از این رو، بانک‌ها در این سیستم بانکداری ضمن کمک به شکوفایی اقتصاد و رشد تولیدات تأثیر مثبت و ملموس‌تری بر اشتغال دارند و در کاهش نرخ بیکاری، یک معضل اصلی اقتصاد، نقش مؤثرتری را ایفا می‌کنند. هدایت منابع به سوی فعالیت‌های تولیدی در سیستم بانکداری بدون ربا و در نتیجه، افزایش عرضه محصولات ناشی از به کارگیری تسهیلات مذکور باعث می‌شود که تسهیلات اعطایی در این نظام بانکداری آثار تورمی کمتری داشته باشد. علاوه بر آن، در بانکداری بدون ربا ابزارهای مورد استفاده برای تشویق سپرده‌گذاران به سپرده‌گذاری در بانک‌ها بسیار متنوع‌تر از بانکداری ربوی است.

در مقابل امتیازهای پیش‌گفته، بانکداری غیرربوی در مقایسه با بانکداری ربوی از مشکلات و تنگناهایی نیز رنج می‌برد؛ یکی از این تنگناها این است که در سیستم

بانکداری، بانک از وظیفه اصلی خود، گرفتن وام از سپرده‌گذاران با بهره کمتر و دادن وام به سرمایه‌گذاران با بهره بیشتر و کسب سود، دور می‌شود. به عبارت ساده‌تر، بانک نهادی است که با استفاده از ابزارهای مشخصی منابع دارندگان مازاد و پس‌اندازکنندگان جزء و عمده را جمع‌آوری می‌کند و با استفاده از منابع تجهیز شده نقدینگی مورد نیاز برای فعالیت‌های اقتصادی واحدهای دارای کسری اعم از دولت، بنگاه‌ها و مردم را فراهم می‌کند و از این رهگذر به دلیل پرداخت بهره کمتر به سپرده‌گذاران و دریافت بهره بیشتر از سرمایه‌گذاران علاوه بر تأمین سرمایه در گردش مورد نیاز برای فعالیت‌های اقتصادی جامعه، خود بانک نیز منتفع می‌شود و سود کسب می‌کند. اما ملاحظه سازوکار بانکداری غیرربوی آشکار می‌سازد که بانک در این سیستم بانکداری از وظایف تخصصی خود فاصله می‌گیرد و به بعضی از فعالیت‌ها مانند سرمایه‌گذاری مستقیم، پیمانکاری، فروش اقساطی و... می‌پردازد که جزء فعالیت‌های بانکداری محسوب نمی‌شود و همین امر ممکن است هزینه‌های بانکداری اسلامی را از بانکداری ربوی بالاتر ببرد و قدرت رقابت آن را کاهش دهد.

یکی دیگر از مشکلات عملیاتی در بانکداری بدون ربا عدم اشراف کارکنان بانک‌ها بر مبانی نظری بانکداری اسلامی است. تعداد زیادی از کارکنان امور بانکی نه تنها قدرت توجیه مشتریان در خصوص نحوه همکاری بانک با آن‌ها را ندارند بلکه خود نیز در رابطه با نحوه فعالیت بانکداری بدون ربا چندان توجیه نیستند، به طوری که کارکنان بانک‌ها در بسیاری از موارد تمایزی بین بانکداری بدون ربا و بانکداری ربوی قائل نیستند و حتی باصراحت به جای واژه سود و مشارکت از عبارات بهره و وام استفاده می‌کنند. این موضوع باعث می‌شود که کارکنان مذکور در اجرای قانون بانکداری بدون ربا با مشکل مواجه باشند و توان کامل در اجرای آن را نداشته باشند. بنابراین، اجرای صحیح و قدرتمند بانکداری غیرربوی تربیت نیروهایی را می‌طلبد که علاوه بر دانش روز در خصوص اقتصاد و علوم بانکی بر موضوعات اسلامی نیز اشراف داشته باشند. بدیهی است این کار ظرفیت‌سازی بالایی در رابطه با تربیت نیروی کار مورد نیاز بانک‌های اسلامی را می‌طلبد. از آنجاکه در شرایط فعلی دانشگاه‌های کشورهای اسلامی از چنین قابلیت‌هایی برای تربیت نیروی انسانی مورد نیاز سیستم

بانکداری غیرربوی برخوردار نیستند، لازم است که در کوتاه‌مدت بانک‌ها از طریق برگزاری دوره‌های کوتاه‌مدت ضمن‌خدمت و آموزش کارکنان خود آن‌ها را با فرایند عملکرد بانکداری اسلامی آشنا و توجیه کنند. بدیهی است برگزاری چنین دوره‌های آموزشی هزینه فعالیت بانک‌ها را در جایگاه بنگاه‌های تجاری افزایش می‌دهد و توان رقابت آن‌ها را در مقایسه با بانک‌های فعال در سیستم بانکداری ربوی کاهش می‌دهد. اما در کوتاه‌مدت چاره‌ای جز این کار نیست؛ زیرا که پاسخ‌گویی به دغدغه‌های مسلمانان و فراهم آوردن بستر مناسب برای آن‌ها برای انجام امور بانکی‌شان با خیالی آسوده و بدون شبهه ربوی بودن فعالیت‌ها، هزینه‌های بیشتری را نیز تحمیل می‌کند. راهکار بلندمدت برای رفع این معضل نیز ایجاد ظرفیت لازم در دانشگاه‌های کشورهای اسلامی، بنگاه‌های تولید دانش و تربیت‌کننده نیروی متخصص مورد نیاز تمامی بخش‌های اقتصادی جوامع اسلامی، برای تجهیز دانش‌آموختگان خود در رشته‌های مرتبط با بانکداری به آموزه‌های دینی مرتبط با بانکداری اسلامی است.

ناآشنایی مشتریان بانک‌ها با نحوه فعالیت بانکداری بدون ربا نیز یکی دیگر از موانع و تنگناهای عملیاتی بانکداری بدون ربا محسوب می‌شود. گنج‌نایدن مطالبی در خصوص بانکداری اسلامی در کتاب‌های درسی دوره ابتدایی، راهنمایی و دبیرستان، و همچنین، طرح مباحث بیشتری در نشریات و رسانه‌های عمومی و حتی تشکیل بعضی جلسات توجیهی برای مشتریان عمده بانک‌ها می‌تواند در این راستا مفید باشد.

بانک در سپرده‌های قرض‌الحسنه به‌جای سود برای تشویق سپرده‌گذاران به آن‌ها جوایزی از طریق قرعه‌کشی اعطا می‌کند که این کار علاوه بر آنکه یک روش ناعادلانه در توزیع منافع بانک‌هاست، جایگاه بانک‌ها را تا سطح مؤسسات بخت‌آزمایی پایین می‌آورد. می‌توان با کاهش تفاوت بین ارزش جوایز و پرداخت جایزه به تعداد بیشتری از صاحبان سپرده‌های قرض‌الحسنه پس‌انداز تا حدودی این مشکل را رفع کرد. علاوه بر آن ثبات سپرده‌ها را از بین می‌برد و سپرده‌گذاران مدام سپرده‌های خود را به بانک‌هایی که تاریخ قرعه‌کشی آن‌ها نزدیک‌تر است، انتقال می‌دهند. البته مشکل اخیر سپرده‌های قرض‌الحسنه با همزمان کردن زمان قرعه‌کشی بانک‌های مختلف و همچنین، در نظر گرفتن امتیاز مشخص برای یک مبلغ معین در یک زمان معلوم، تا حدودی حل

شده است. یک سؤال اساسی در ارتباط با سپرده‌های قرض‌الحسنه و وام‌های قرض‌الحسنه به ذهن متبادر می‌شود که چالش و دغدغه فکری صاحب‌نظران است. سؤال این است که آیا در وام‌های قرض‌الحسنه پدیده ربای معکوس اتفاق نمی‌افتد؟ بدیهی است که در اقتصاد پولی کنونی در طول زمان سطح عمومی قیمت‌ها یک روند فزاینده را طی می‌کند. این روند فزاینده سطح عمومی قیمت‌ها، گرچه به فراخور جوامع مختلف و وضعیت اقتصادی آن‌ها شیب کمتر یا بیشتری را داراست، در نهایت و در بلندمدت در تمامی جوامع یک روند فزاینده را طی می‌کند. به تبع رخداد تورم، قدرت خرید پول و دارایی‌های پولی افراد کاهش می‌یابد. بنابراین، اگر فردی بخشی از پول‌های خود را به دیگری قرض دهد و این قرض به شکل قرض‌الحسنه باشد، در آن صورت هنگام بازپس‌گیری پول‌های خود ارزش حقیقی یا قدرت خرید مبالغ دریافتی به اندازه نرخ تورم، کاهش می‌یابد. به عبارت دیگر، در این وضعیت وام‌دهنده به وام‌گیرنده به اندازه کاهش در قدرت پولش بهره داده است. پدیده ربای معکوس یک چالش جدی پیش روی وام‌های قرض‌الحسنه است. بدیهی است که در شرایط تورمی شدید همین پدیده ربای معکوس ضررهای زیادی را متوجه قرض‌دهندگان می‌کند و به مرور زمان انگیزه آن‌ها را برای سپرده‌گذاری به صورت قرض‌الحسنه کاهش می‌دهد و حتی ممکن است که آن‌ها را از این امر منصرف کند و به تدریج آن‌ها را از اجر و ثواب عظیم قرض‌الحسنه محروم سازد. بدیهی است که توسعه و گسترش تحقیقات برای تحلیل دقیق و علمی مبانی، فلسفه، اصول و موارد حرمت ربا و تشریح بیشتر موضوع می‌تواند جواب قانع‌کننده و مستدلی برای این سؤال ارائه دهد.

بیشتر گفته شد یکی از شیوه‌های تجهیز منابع، سپرده‌های قرض‌الحسنه است. منابع فراهم‌شده به شکل سپرده‌های قرض‌الحسنه در قالب وام‌های قرض‌الحسنه در اختیار متقاضیان وام‌های قرض‌الحسنه قرار می‌گیرد. نقطه بارز این‌گونه سپرده‌ها و تسهیلات این است که در آن‌ها هیچ‌گونه شبهه ربا وجود ندارد. از آنجایی که در سپرده‌های قرض‌الحسنه هیچ‌گونه مبلغی مازاد بر اصل سپرده‌ها به سپرده‌گذاران پرداخت نمی‌شود و در وام‌های اعطایی به شکل قرض‌الحسنه نیز هیچ مبلغی مازاد بر اصل وام و کارمزد از وام‌گیرنده دریافت نمی‌شود، بنابراین در سپرده‌های قرض‌الحسنه و وام‌های اعطایی

به شکل قرض‌الحسنه غیر از اصل وام‌ها، فرعی رد و بدل نمی‌شود تا شبهه‌ای در خصوص ربا ایجاد گردد. اما وجود وام‌های قرض‌الحسنه در سیستم بانکی غیرربوی باعث این تلقی شده است که بانک‌ها، بنگاه‌های خیریه هستند و این موضوع می‌تواند مشکلی در بانکداری غیرربوی باشد.

علاوه بر این موارد، بانکداری غیرربوی در مقایسه با بانکداری ربوی با تنگناهای دیگری نیز مواجه است. محدودیت آزادی عمل برای استفاده از وجوه، عدم امکان تمدید مدت اعطای تسهیلات در بسیاری از موارد، نارسایی کاربرد نرخ سود به صورت ابزار سیاست پولی، صوری عمل کردن بسیاری از بانک‌ها، تصور عمومی مبنی بر نبود تفاوت بین بانکداری ربوی و غیرربوی و تبلیغات ناکافی برای شناسایی تفاوت‌های آن‌ها به عموم مردم، پیچیدگی فعالیت‌ها، و قدرت کمتر ابزارهای تجهیز منابع در بانکداری بدون ربا، از عمده‌ترین این تنگناها و مشکلات به شمار می‌روند. شاید وجود همین مشکلات و محدودیت‌ها در فراروی بانکداری بدون ریاست که باعث شده بانکداری بدون ربا علی‌رغم امتیازات متعدد خود طبق نتایج بعضی از تحقیقات و بررسی‌های موردی، در سال ۲۰۰۱ میلادی از کارایی کمتری نسبت به بانکداری ربوی برخوردار بوده است (نادری کرج و صادقی، ۱۳۸۲). بدیهی است ارائه راهکارهای علمی و عملی برای کمرنگ کردن این تنگناها می‌تواند در افزایش کارایی بانکداری بدون ربا تأثیرگذار باشد. در تحقیقاتی که با بهره‌گیری از روش غیرپارامتریک تحلیل پوششی داده‌ها در کشورهای بحرین، اردن، ایران، قطر و چند کشور دیگر انجام شده و مشخص شده است که به‌طور کلی کارایی بانک‌های غیرربوی در کشورهایی که در آن‌ها هم بانکداری ربوی و هم بانکداری غیرربوی فعال است و بانکداری غیرربوی در شرایط رقابتی در کنار بانک‌های ربوی فعالیت می‌کنند، از کارایی بانک‌های غیرربوی در کشورهایی که در آن‌ها صرفاً بانکداری غیرربوی رایج است، بیشتر است.

نتیجه‌گیری

مقایسه شیوه‌های تجهیز و تخصیص منابع در بانکداری ربوی و غیرربوی گویای آن است که شیوه‌های تجهیز منابع و ابزارهای انگیزشی برای تجهیز منابع در بانکداری بدون ربا متنوع‌تر از بانکداری بدون ریاست؛ ولی ابزارهای انگیزشی نظام بانکداری

ربوبی قدرتمندتر و با ثبات تر است. شیوه‌های تخصیص منابع نیز در بانکداری غیرربوبی از بانکداری ربوبی متنوع تر و پیچیده تر است.

یکی از ضعف‌های بانکداری ربوبی این است که علی‌الاصول و در مقام مقایسه با بانکداری ربوبی سهم کمتری از منابع بانک‌ها جذب فعالیت‌های تولیدی و زیربنایی می‌گردد و حتی بعضاً ممکن است از بخشی از تسهیلات اعطاشده توسط بانک‌ها در فعالیت‌های مخرب برای اقتصاد بهره گرفته شود؛ درحالی‌که در بانکداری بدون ربا منابع به سوی فعالیت‌های تولیدی هدایت می‌شوند و این موضوع از امتیازات و نقاط قوت بانکداری بدون رباست. از این رو، بانک‌ها در سیستم بانکداری بدون ربا ضمن کمک به شکوفایی اقتصاد و رشد تولیدات تأثیر مثبت و ملموس‌تری بر اشتغال دارند و در کاهش نرخ بیکاری، یک معضل اصلی اقتصاد، نقش مؤثرتری را ایفا می‌کنند. از آنجایی که منابع بانک‌ها در سیستم بانکداری غیرربوبی منجر به تولید و افزایش عرضه می‌شود، تسهیلات اعطایی آن‌ها آثار تورمی کمتری دارد.

بالا بودن هزینه‌های عملیاتی بانک، دشوارتر بودن دریافت تسهیلات از بانک توسط سرمایه‌گذاران، فاصله گرفتن بانک‌ها از وظیفه اصلی و تخصصی خود و درگیر شدن آن‌ها به فعالیت‌های غیرتخصصی، عدم اشراف کارکنان بانک‌ها به مبانی و اصول و نحوه فعالیت بانکداری بدون ربا، ناآشنایی مشتریان بانک با نحوه فعالیت بانکداری اسلامی و چگونگی تعامل با آن و تصور بیشتر آن‌ها مبنی بر عدم تفاوت بین بانکداری ربوبی و غیرربوبی، تبلیغات ناکافی برای شناساندن تفاوت‌های بانکداری ربوبی و غیرربوبی به عموم مردم، محدودیت‌های بعضی از عقود مورد استفاده برای اعطای تسهیلات، توزیع ناعادلانه منافع سپرده‌های قرض‌الحسنه پس‌انداز، انتقال بیش از حد سپرده‌های قرض‌الحسنه از یک بانک به بانک دیگر، کاهش قدرت خرید سپرده‌های قرض‌الحسنه و رخداد ضمنی پدیده ربای معکوس در این گونه سپرده‌ها، محدودیت آزادی عمل برای استفاده از وجوه، نارسایی کاربرد نرخ سود به صورت ابزار سیاست پولی، صوری عمل کردن بسیاری از بانک‌ها و پیچیدگی بیشتر فعالیت‌ها در بانکداری بدون ربا، از عمده‌ترین تنگناها و مشکلات نظام بانکداری بدون ربا به شمار می‌روند.

بازنگری در قانون عملیات بانکی بدون ربا و اصلاح و تلطیف بعضی از محدودیت‌های ناشی از این قانون که منبعث از موازین شرعی نیستند و توسط قانون‌گذار بنا بر مصالحی برای اداره امور بانک‌ها وضع شده است، کاهش تفاوت بین ارزش جوایز و پرداخت جایزه به تعداد بیشتری از صاحبان سپرده‌های قرض‌الحسنه پس‌انداز، تأکید بیشتر بر ابزارهای معنوی برای تشویق سپرده‌گذاران به سپرده‌گذاری در حساب‌های قرض‌الحسنه، توسعه و گسترش تحقیقات برای تحلیل دقیق و علمی مبانی، فلسفه و اصول حرمت ربا برای پاسخ‌گویی مستدل به سؤالات طرح‌شده در مورد بانکداری بدون ربا، گنج‌اندیدن مطالبی در خصوص بانکداری اسلامی در کتاب‌های درسی، طرح مباحث بیشتری در نشریات و رسانه‌های عمومی در خصوص نحوه فعالیت‌ها در بانکداری بدون ربا، تشکیل بعضی جلسات توجیهی برای مشتریان عمده بانک‌ها، برگزاری دوره‌های کوتاه‌مدت ضمن‌خدمت و آموزش کارکنان بانک‌ها، ظرفیت‌سازی در دانشگاه‌ها برای تربیت نیروی کار مورد نیاز در بانکداری اسلامی و تجهیز دانش‌آموختگان رشته‌های مرتبط با بانکداری به آموزه‌های دینی مرتبط با بانکداری بدون ربا و بهره‌گیری از عقود مختلف در تخصیص منابع بانک‌ها برای رفع مشکل محدودیت بعضی از عقود، از عمده‌ترین راهکارهایی است که برای رفع و کاهش تنگناهای بانکداری بدون ربا و افزایش کارایی آن مثمرتر به نظر می‌رسد.

در پایان، از آنجا که بانکداری غیرربوبی نوپاتر از بانکداری ربوی است، لذا ممکن است به مرور زمان و در حین عملیات اجرایی بعضی از تنگناهای این سیستم ظهور پیدا کند؛ بنابراین، پیشنهاد می‌شود یک مؤسسه تحقیقاتی تشکیل و با مطالعه و تحقیق علمی، مشکلات احتمالی بانکداری غیرربوبی را مرتفع کند و راهکارهایی را برای بهبود این سیستم بانکداری ترسیم کند.

کتابنامه

قرآن کریم.

آقانظری، حسن (۱۳۸۶)، «آسیب‌شناسی قرارداد فروش اقساطی در عملیات بانکداری ایران»، مجموعه مقالات همایش ربا در نظریه و عمل، چالش‌ها و راهکارها، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، چاپ اول.

- احسانی، محمدعلی (۱۳۸۲)، «ماهیت و وظایف واسطه‌های مالی بانکی و شبکه بانکی»، فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق (ع)، شماره بیستم.
- اداره بررسی‌ها و سیاست‌های اقتصادی، «گزارش اقتصادی و ترازنامه سال‌های مختلف»، تهران: بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران.
- انصاری، جعفر (۱۳۸۶)، «معیار ربوی بودن قراردادهای مالی»، مجموعه مقالات همایش ربا در نظریه و عمل، چالش‌ها و راهکارها، قم: انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، چاپ اول.
- بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۷۲)، آشنایی با عقود اسلامی در ارتباط با قانون عملیات بانکی بدون ربا، تهران: مؤسسه عالی بانکداری ایران.
- توتونچیان، ایرج (۱۳۷۵)، اقتصاد پول و بانکداری، تهران: مؤسسه تحقیقات پولی و بانکی، چاپ اول.
- توده فلاح، فریدون (۱۳۷۹)، «چگونگی توسعه ابزارهای شبه پول در سیستم بانکداری بدون ربا و آثار اقتصادی آن»، مجموعه مقالات سیاست‌های پولی (۲)، تهران: مؤسسه تحقیقات پولی و بانکی.
- چپرا، عمر (۱۳۸۳)، کشورهای اسلامی، چالش‌های پیش‌رو و راه‌حل‌ها، ترجمه گروه اقتصاد، فصلنامه تخصصی اقتصاد اسلامی، سال چهارم، شماره شانزدهم.
- حیبیان نقیعی، مجید (۱۳۸۳)، «قرض الحسنه، نگرشی تفسیری روایی»، فصلنامه تخصصی اقتصاد اسلامی، سال چهارم، شماره شانزدهم.
- دیولیو، اوجین آ. (۱۳۷۱)، نظریه و مسائل پول و بانکداری، ترجمه احمد جعفری صمیمی و سید فضل ریاضی، تهران: انتشارات آذر، چاپ اول.
- شیوا، رضا و یزدان‌پناه، احمد و صادقی یارندی، سیف‌الله (۱۳۷۵)، چند مقاله درباره پول و ارز، تهران: مؤسسه تحقیقات پولی و بانکی، چاپ اول.
- صدر، محمدباقر، اقتصاد ما، جلد اول، ترجمه محمدکاظم موسوی، انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- عباسی، زهرا و صدر، سید کاظم (۱۳۸۴)، «محاسبه هزینه تسهیلات قرض الحسنه و مقایسه آن با سایر عقود اسلامی»، فصلنامه تخصصی اقتصاد اسلامی، سال پنجم، شماره نوزدهم.
- علوی، سید محمدتقی و رجائی، سید محمدکاظم (۱۳۸۶)، «بررسی فقهی قراردادهای بانکی (جعل و اجاره به شرط تملیک)»، مجموعه مقالات همایش ربا در نظریه و عمل، چالش‌ها و راهکارها، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، چاپ اول.

فرجی، یوسف (۱۳۷۹)، پول، ارز و بانکداری، تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی، چاپ سوم.

قدیری اصلی، باقر (۱۳۷۵)، پول و بانک، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، چاپ اول.

ماجدی، علی و گلریز، حسن (۱۳۶۸)، پول و بانک از نظریه تا سیاست‌گذاری، تهران: مرکز آموزش بانکداری بانک مرکزی، چاپ دوم.

موسویان، سید عباس (۱۳۷۹)، «بررسی فقهی-اقتصادی ابزارهای جایگزین عملیات بازار باز و معرفی ابزاری جدید»، مجموعه مقالات سیاست‌های پولی (۲)، مؤسسه تحقیقات پولی و بانکی، بهار.

همو (۱۳۸۳)، «ارزیابی سپرده‌های بانکی و پیشنهاد سپرده‌های جدید»، فصلنامه تخصصی اقتصاد اسلامی، سال چهارم، شماره ۱۵.

همو (۱۳۸۴-الف)، «ارزیابی قراردادهای و شیوه‌های اعطای تسهیلات در بانکداری بدون ربا»، فصلنامه تخصصی اقتصاد اسلامی، سال پنجم، شماره ۱۹.

همو (۱۳۸۴-ب)، «اصلاح ساختار مؤسسات و ابزارهای مالی بازار پول و سرمایه بر اساس تعالیم اسلام»، فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق (ع)، شماره ۲۵.

همو (۱۳۸۴-ج)، «ربا در فرض‌های تولیدی و تجاری» فصلنامه تخصصی اقتصاد اسلامی، سال پنجم، شماره ۱۸.

موسایی، میثم (۱۳۷۹)، بررسی عملکرد بانکداری بدون ربا در ایران، تهران: مؤسسه تحقیقات پولی و بانکی.

میرجلیلی، سید حسین و آقانظری، حسن (۱۳۷۹)، «پول در اقتصاد اسلامی»، مجموعه مقالات سیاست‌های پولی (۲)، مؤسسه تحقیقات پولی و بانکی.

میشکین، فردریک (۱۳۷۸)، پول، ارز و بانکداری، ترجمه علی جهانخانی و علی پارسایان، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ اول.

نادری کرج، محمود و صادقی، حسین (۱۳۸۲)، «بررسی کارایی بانکداری بدون ربا در کشورهای مختلف (بحرین، اردن، ایران، قطر،...) و مقایسه بانک‌های غیرربوی و بانک‌های ربوی در جهان با استفاده از روش تحلیل پوششی داده‌ها»، فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی، سال سوم، شماره نهم و دهم.

Diulio, Eugene A. (1987), *Theory and Problems of Money and Banking*, McGraw hill.

Friedman, Milton (1956), *The Quantity Theory of Money: A Restatement*, Ed. Studies in the Quantity Theory of Money, Chicago: Chicago University Press.